

روزنامه

جشن شاهنشاهی ایران



این روزنامه یکبار در تاریخ طی ۱۰۰ شماره و در تیرداشی برابر تیرماه جمعی برای یک سال سرگشود و همراه با آنمف انتشار مییابد

شماره ششم : شنبه نهم مرداد ۱۳۰۰

برجی عظیم بر
دروازه تهران
پوان دوو
چاپ فرانسه

شیرت های جشنی
در ایران
بستر نهنگ کرب

کشف مهم و تازه ای در باره
کوروش و تمدن ایران
نشال نیوز

یک روی دیگر تاریخ

تحت تاثیر تمدن و فرهنگ ایران

حتی اسکندر هم

رنگ ایرانی بخود گرفت

در صفحه سوم

* میراثی نیکو از ایران باستان

* سنتی گرمی که پرورش دهنده
روان و خرد و تن آدمی است

در صفحه پنجم



در صفحه هفتم

جشن شاهنشاهی

مجرای مطمئنی برای

اشاعه هنر و فرهنگ ایران

در متن جریان جشن شاهنشاهی و تدارکات جهانی آن از هم اکنون افق گشوده امیدبخشی دیده میشود. این جشن جنبش و توجهی جهانی نسبت به زبان، خط، هنر و بطور کلی فرهنگ ایران برانگیخته است. در برنامه های بین المللی جشن، فعالیتهای دیده میشود که از هم اکنون یا آغاز شده اند و یا بزودی شروع خواهند شد. این فعالیتهای اکثر توسط ایرانیان بزرگ یا ایرانیان بزرگ پی ریزی شده است. هدفی ندارد جز شناساندن و تجلیل و تحسین فرهنگ ایران در دنیای که به نواحی مدنی دراز از این معرفت غافل مانده بود. حتی بر سرین گوشه های از این فعالیتهای بی آنکه وارد جزئیات آن شویم، اهمیتشان را از نقطه نظر فرهنگی آشکار می سازد:

از جمله اینکه بسیاری از دانشکده های جهان کرسی های را بدرس زبان و فرهنگ و تاریخ کهنال مملکت ما اختصاص خواهند داد.

بجرت میتوان گفت: در تاریخ عصر حاضر این اولین باری است که ما با چنین همکاری گسترده و همه جانبه عالیترین مراکز فرهنگ و هنری جهان در شرکت یک بزرگداشت واحد مواجه میشویم بطوریکه در ماههای آینده لااقل ۷۶ نمایشگاه هنر ایرانی در سراسر جهان تشکیل خواهد شد و در این مورد جالب این است که چهار موزه ای که بزرگترین موزه های جهان شناخته شده اند یعنی لوورپاریس - بریتش میوزیوم لندن - آرمنتاژ لین گراه - متروپولیتن نیویورک برای نخستین بار در تاریخ خود متفقا و در یک موقع چهار نمایشگاه عظیم ایرانی ترتیب خواهند داد. همچنین ۲۹ بقیه در صفحه ۵

۱۰۰ لوص آرازه و آرازه گر

پذیرش راز هستی

نشان فرزانی است

(ای انسان!

هر که باشی، و از هر جا که بیایی، زیرا میدان خواهی آمد، من کوروش هستم. که برای پارسیان، این شاهنشاهی پهنای ره بنیاد کرده ام. بدین مشتی خالک که مرا پوشانده، رشک مبر!

این سخنان ژرف، که از آن راز هستی میتراود و رمز بقیه در صفحه ۷

۷۴ روز تا آغاز جشن شاهنشاهی فاصله داریم

جشن شاهنشاهی، جشن زندگی ۲۵۰۰ ساله ملت ایران است

حتی اسکندر هم رنگ ایرانی بخود گرفت

ناتوان تاریخ نشود با رعایت اصل حقیقت طلبی، نوشته شده است. زیرا تقریباً یکصد سال پیش در هند و هندوستان بود که در دوران موزحانی بوده است که چندین بار حتی نامی آن خنرم سکندرمیم و دی سیدلیم که در دوران غالبانی طرف بود...

ارخان شایسته آریانه

با نام آگاهی هائی که در مورد اخلاق و رفتار ایرانیان دانسته و با ناندیده گرفتن تنگی هائی که خود یونانیان بدان متصرف بودند، چگونه از روی عهد و بدظنری و مغرضانه دبدار ایرانیان سخنراندند است و در این جا جولانز زبان بوسوه با او سخن میگوید و از منابع خود بوسوه قلمش معروف به ملاقات «مکتور» با «آدیورک» در کنار دروازه «سکه» از هرودت «افلاطون» کسوفون «پودوروس» و پلوتارک که کاتبان این منبع فصل بنام «امپراطور» است بوسوه است لیلی آقامه میباشند که دیدند که هرگز ایرانیان در نظر یونانیان «چیز ترکانگیزی» نبودند.

در مقابل گستاخای از بوسوه که: «... مکتور که یونان که بدین گونه برآمده و تربیت شده بود، نه مردم آسیا و طرافت و خودآرایی و زیاده زبانه آنان نمیگرفت نسبت به آنان در خود چیزی جز فقر است نمیکند ...»

خاندانهای از کسوفون میآوردند نتیجه میگرد که این خودآرایی، زیبایی زبانه و تاملاتی همانستیان چیزی جز مظاهر زندگی منظم و مستند آن زمان نبودند و اضافه میکنند:

«... چنان مینماید که هیچ کس نتواند بداند که آنچه در ایرانیان قدیم ماه میجویی بوده و خردی هوش یونانیان شادمانی، همان چیزی است که ملت های قبیله، در آن باره و ملت های ژرفتر در سرش میبندند و همان چیزی است که ملت های مصر و با ننگ بلند ملت های مرده را در دانش آنان در محرش برانداخت و نیز یونان را بدینتر کنور آسیا میخوانند، اما در حقیقت این تامل برستی غلیظ چیزی جز پولیس ایران باستان است.»

اسرار کتاب، آقای بدیع کوشت میگردند که از قیود تمدن ایران را بر یونان دانسته نوسندگان قیود یونان را نیز نباید و این کار را در عهد رومی و کمالی بیطرف انجام میدهند.

تسب و در کدن عقاید بوسوه بمطالعه و تمیز کشتهای ستر، میزدان، بانکها، دارمستراج به ایران باستان نظر ماضی بدینسانت نفوذ و عقاید عصر خود توستاست از دیدگاه محیط، آسیا را از کدن و نیز یونان را بدینتر کنور آسیا در برابر مشرق پولیس ایران محض آورده است و در مورد پرس پولیس ایران باستان عظم ایران باستان گفته است.

«... ورنه های پرس پولیس هنری ترکیبی راه مای شادان کار هوس شادان بر خاسته و انواع گوناگون هنری کاهنایات های آئور، مصریونان آسیایی و بدیسم او خورده باینکه دیگر قریب کرده و وحدتی ساختن ایران بیرون آورده است، این هوس یک متنن بسیار نیرومندی است که شوق آن دانشه است که بنای عقلمی سازد ...»

آقای بدیع در دربار این کوه همت با رفتن بودن سامان میرویسوی و هوس شاهای به تشریح کاس برسر میز و بدینچه اضافه میکند:

«... در این کس پرس پولیس از کارگران ایرانیان، هخامنشی است، چه کسی میبندد و میخواند، هک کاش و آبناسی کس پرس پولیس، نادر میان ورنه های کدن و پرس پولیس، در یکی رنه و در دیگری حق حضور نمدان ایرانیان و مصری پولیس را تفریق میبندد، و آنگار بودن این مطلب بود از اینجا بیشتر میبندد که کسی میبندد که آن کسی که با سخن بانیان هوس فرمان دادند بودند باینکه بلند اعلام کردند که در سخن نخبین ایرانیان هک و ادعی از تره های و هنرهای سراسر امپراطوری میگرداند ...»

سپس به سند موجود فرمان شروع بنای شوش - کبیه در اورد کرده و تشریح میگرد: «... و این ایران سخن و تایلرین ایته هنر پرس پولیس که در هوس شاهای بر خاسته، ترکیبی و استیگاری است و فیول انگلیسی بوده که نباید در دانشه بود، از آن جهت که مدتی ایستاد در بوشوع هنر شک حرکت طبیعی روح ایرانی است ...»

عناصرت است که آسیایان برای غلظ و شعور ایرانی چندان قدر و منزلی قائل نمیشوند. آنچه مخصوص ایشان است و این است که این ایمان خود به جهانی در ماورای غلظ میسرند که غلظ در آن هم کار نمیکند، در صورتی که ما برآیند که در آن طرف غلظ چیزی جز خلاق و وجود ندارد. در آن جا که ما نه چیز هستیم و نه چیزی احساس نمیکنیم، آنان فضائی میابند که به آن دلشگی دارند و در آن به آسایش نفس میکنند، بن نمیکشیم که در اروپا مردم از آن جهت که چنین فکر میکنند، فخرند، ولی چون همه چیز درست در نظر گرفته شود، طبیعت ناانیدیشه و بی عیارتر بهتر غریزه آسیایی، چنان چیزی های بزرگی را در زمینه دین، فلسفه و فقر تحصیل کرده است که شکل زیستن آنان در نظر بن استانباط کمال احترام است و اگر این غریزه وجود نداشتی عمل نمیکند، ما چیزی را برای تحلیل کردن یا برای طرد کردن یا برای فهمیدن در اختیار نمیباشیم ...»

عبارات فوق از کتاب «سه سال در آسیا» از کت دوگوییست که در مقابل از کتاب «یونانیان و رومیان» آمده شده با نقل دستاشگری از فریاد «دیر ما» باشد. «... آتای کت دوگوییست با عبارات فوق نه تنها برخلاف نایدیدیشه بلکه برخلاف واقعیتی قابل لمس است و استنباط خود را کلمات در قالی بریزد تا واقعیتی خاصی بنادیده خود در آن باشد. نمونه ها آنگار بسیار است که در هر کتاب فراوانی میتوان عبارات مشابه آن را در هر یک از این سخن زده است، سپس و دیگران را به چنانجانب عسرده نمودند، دید.

هرودت غالباً برای سرش هم بهیشتان رفتار کرد و ایرانیان را به رخ آنها میگرداند و دیگر کتاب یونانیان که در خدمت شاههای ایران بودند، ماقوم منزلت دبدار هخامنشی از آشکار تر میساخت.

«... مینمایس جبار آریه نوسون، شیخ از آنکه سیلارل آریه نوسون آنتیان در مارونین باشد، هنجور فرماندهی در خدمت ایرانیان بود. فیسوت کالیق نالاسین را زکاتین میبندد کردند و اسپارتیان بود فقر تعقیب بر دادند و در نزد ایرانیان باستان، با کتوره و کلال پدرای او شدند، با اسپانیایی، نافع پالایان چنان در برابر کسان شاه بزرگ چاپلوسی می کرد که در وطنشان از خدم او رانده میگرد آتایا کسار آن بنا چنده بودند، بدین بگور میگفتند ...»

و هم از آن جلاندن کسبای بزرگ دارشیر، کسوفون شاگرد سقراط و غیره ... آقای بدیع با معرفی تمدن لیبی از یونانیان بیام، دربار چاپلوسی در دبدار شاهنشاه ایران، خیانت به میهن خود، بیستمنی سیدمانه، نشان میبندد کسه فطرت درخش دبدار هخامنشی آنگار غیره کتنده آن خود که سران و کربندگان و فاضان یونانی در مقابل آن دروغه نیاز به ستایشگری و خندنگاری از یونان و این معرفی را بر میزای فتنه های تاریخ نوسان یونان و بالاتر از همه آنها براسای هک نطق تاریخ هرودت انجام میدهند. آقای بدیع نقل داشته است:

«... و در این کس پرس پولیس از کارگران ایرانیان، هخامنشی است، چه کسی میبندد و میخواند، هک کاش و آبناسی کس پرس پولیس، نادر میان ورنه های کدن و پرس پولیس، در یکی رنه و در دیگری حق حضور نمدان ایرانیان و مصری پولیس را تفریق میبندد، و آنگار بودن این مطلب بود از اینجا بیشتر میبندد که کسی میبندد که آن کسی که با سخن بانیان هوس فرمان دادند بودند باینکه بلند اعلام کردند که در سخن نخبین ایرانیان هک و ادعی از تره های و هنرهای سراسر امپراطوری میگرداند ...»

سپس به سند موجود فرمان شروع بنای شوش - کبیه در اورد کرده و تشریح میگرد: «... و این ایران سخن و تایلرین ایته هنر پرس پولیس که در هوس شاهای بر خاسته، ترکیبی و استیگاری است و فیول انگلیسی بوده که نباید در دانشه بود، از آن جهت که مدتی ایستاد در بوشوع هنر شک حرکت طبیعی روح ایرانی است ...»

«... مکتور که یونان که بدین گونه برآمده و تربیت شده بود، نه مردم آسیا و طرافت و خودآرایی و زیاده زبانه آنان نمیگرفت نسبت به آنان در خود چیزی جز فقر است نمیکند ...»

در چهار جلد، در سکوهای علم، نخستین کتابی که از مولف فوق به همت آقای احمد آرام بهارسی برگردانده شده کتاب «آقای بدیع در آسیا» است. آقای بدیع در کتاب مذکور بحث، غالب نوشتههای یونانیان درباره روابط و شاهنشاهی هخامنشی مطالعه کرده و تفسیر و تفسیر یونانیان در غرب را نیز تحت بررسی قرار داده، سپس با دقت خاصی، حقایق را از آن میان بیرون کشیده است.

برداشت کتاب، معرف کار بسیار مولف آن است. تحقیق بکیر، دقت فوق العاده، استنباط دجلد و بهیمنسوی مطالب در این کتاب قابل ستایش است. قدرت مولف در تنظیم کتاب آن چنان است که انسان وقتی کتاب او را میخواند، طرافت و نکته شده او را مرور میکند، دلایل صریح و استوار و روابط ناگسسته مطالب او را دنبال مینماید، بی با ننگه میبندد که چگونه ناگاهانه و بظلمات کتون بازگو کتنده عقاید و افکار از مورخین گمراهی بوده که بعداً و غرض یا عشق و ریشگی به ندای یونان، برای ما گذاشته بودند.

مولف در ابتدای جلد اول این کتاب لیسه نیز بر این خوردا متوجه کلمه «دیر ما» مینماید و میگوید: «دیر» کلمه است بسیار معمولی برای معرفی کسانی که از زمین ها و شهر های دیگرند غیر یونانی - و اخلاق و عادات دیگری دارند و در هر زبان معادلی دارد که معنی آن چیزی جز «دیر» (چینی) یا «بیگانه» - نیست و جمله «دیر» کسارت که بزبان چینی سخن میگوید، «از دیکور» است. سخن شانس قرن ما را شاهد اختیار میکند و معلوم میسازد که اطلاق کلمه «دیر ما» به ایرانیان در گذشته بهیچ وجه چنده تمخیر نداشته و مناسبتی میزای این واژه با مفهوم امیلیش در دوران هخامنشیان با ننگه متفاوت بوده است - در واقع هر بار که نوسندگان قدیم یونان درباره ایران صحبتی کرده اند، با استفاده کلمه «دیر» در حقیقت خوستند یادآور متنی باشند که «یونانی» نبودند.

عسل و توتالی بسیار قوی در بحث و توسعه و بیان رسای او تصور هرگونه شبهه را باطل میسازد. تفسیر افکار او از خلال نوشتههای کسار می شود و بی مشکل و عیب، به تفرات تمامی کتاب مورد بحث با دقت است و کتب دیگری خواننده شود.

آقای بدیع در صفحه ۱۱ - جلد اول - گفته است: «مرف کتاب و شرق و یونان باستان، را یادآور میشود که: «دیر» یونانیان در جنگ های ایران و یونان بسیار گشرف تمدن یونان قدیم بود ... و اگر ایرانیان بیروز میبندند تا کزیر این تمدن متوقف میبندد ... و هر بر این بهبودی کوشی، کبیتی و کوهنگری اضافه میکند که ... و ولی این فرضی بیست نیست و آن هم فرضی بدیدلی از آن جهت که پیروزی ایرانیان بر یونانیان آسیا بهیچ وجه و دیر میگردانی، مانع شکست و گشرف فرهنگ یونانی در سرزمین آسیا دردمی امپراطوری هخامنشیان نشد.

و حتی میبندد گفت که اگر امکنیدر نیستی را که شاهان هخامنشی در نیستی از جهان آن روز بوجوه آورده بودند هم نیزند چه بنا اینکه ندیای امروز از این که دست جابور و بیشرفته تر بود ... نمی نیست که ایران و مشرق زمین در مقابل گوسند - منتهی ندیای واقع نگار مرض، ستایشگری نیست داشته با آن که آفتاب و تمیق و بیوسگی و امیدت ندیای را که در آن زده است غزالی و از رازی با نیستی همه جا غلظ ماقام، بیارزجندی داشته، نوسندند.

«... من این را تکرار میکنم که سرچشمه همه چیز در آنجا (آسیا) است، آنچه در جهان یافته شده، کمینواسته است در جای دیگر یافته شود پس آن یونان بوده است که بهبود پیدا کرده، بختل دیگر درآمده، گشرف یافته ها کاشی بیاید کرده است. این افتخار درجه دوم مخصوص یونان است، و بدینوسیله است که بر اثر در آنجا که بهیچ وجه و دیر میگردانی، مانع شکست و گشرف فرهنگ یونانی در سرزمین آسیا دردمی امپراطوری هخامنشیان نشد.

«... مینمایس جبار آریه نوسون، شیخ از آنکه سیلارل آریه نوسون آنتیان در مارونین باشد، هنجور فرماندهی در خدمت ایرانیان بود. فیسوت کالیق نالاسین را زکاتین میبندد کردند و اسپارتیان بود فقر تعقیب بر دادند و در نزد ایرانیان باستان، با کتوره و کلال پدرای او شدند، با اسپانیایی، نافع پالایان چنان در برابر کسان شاه بزرگ چاپلوسی می کرد که در وطنشان از خدم او رانده میگرد آتایا کسار آن بنا چنده بودند، بدین بگور میگفتند ...»

تاریخ کشورمان را خودمان بنویسیم

اگره این فکر که «تاریخ کشورمان را خودمان بنویسیم» و در نتیجه بالایی از روایات مغرضانه بعمل آید، در میان اوسلو و تحقیق و تاریخ با حسن نظر خاصی بوسوه شده است، این اقدامی بزرگ است که به یقین باید در دوران شکوفان عصر آریانه هر جنبه تحقق پذیرد، بهیمنگونه که در مقاله اول و آغاز کار این بحث آمده بود، اثر معروف امیرمهتاب بدیع خود کوشی ماجور در این زمینه است و آنچه در زیر میاید معرفی میکنم ایرانیان را فلان تاریخ است که آقای حسین لیبی دکتر درستان شناسی اثر تنظیم کرده اند.

نگاهی بر کتاب: یونانیان بر برابری و دیگر تاریخ

کتابی است که انسان چنین کتابی را بشکاید تا فورا احساس احتیاج نماید که باید وظیفه سانسکاری را بعمل آورد.

افسانه و حماسه ملی، مایه و گرافیک کوشی یونانیان در مورد واقع گشته و برخورد های ایران و یونان منتج به نوعی خودستایی و خود بزرگدانی شده که با همه بی اساسی، خود، با اوسواس واقع نگاری، بوسوه مورخین و دانشمندان غرب برای کنور ما گردیده که قست اعظم آن نادرست، قلب شده و غیر قابل قبول است.

از بوسوه مورخین و نویسندگانی برای روشن کردن موارد تاریخ این تاریخ تمسیمی و تاملش کوشی، بجای بازگویی اشتباهات و لفظ بازی های «دیر ما» تفسیر میگردند، منابع یونانی را بررسی میگردند و عقاید مورخین غرب را مورد تمسیر و تفسیر قرار میدهند، متضاد، نادرست، با ساهای اخیر، به حقیقتی دیده میشد و نه جستجوی ولی ...»

خودستایه برای نخستین بار حرکتی چشم گیر بنویسیم و دینی را پرده شده، امید است، این حرکت و این قدم سزگاریش ما، نود راهبیمانی را و نه تحقیقات بدی و سوسه ارباب دانش ماضی.

آقای امین مهدی بدیع مولف کتاب فوق و بسیاری دیگر، در ۶۱ صفح ۱۳۳۳ جبری قمری (مطابق با ۱۹۴۴ هجری شمسی و هشتم ذوالحجه ۱۳۶۵ میلادی) در همدان بنیاد آمد، تحصیلات ابتدائی خود، و دوره اول متوسطه تا پایان در آن شهر نوسند و در سال ۱۳۳۳ غلظ فرانسه - پاریس - شد، و تحصیلات متوسطه را در آن جا پایان رسانید، سپس به تحصیل علوم فیزیک و ریاضیات مشغول گردید ... در ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۰ در سوئیس ساورلان - بادامه علوم فیزی و فیزیک اشتغال داشته و مدت یکسال نیز در رم تحصیل زبان و ادبیات و ریاضی و کمالی پس تا سال ۱۳۴۲ در بوزانس بادامه ریاضیات عالی و فلسفه علوم مشغول بودید.

رسمادی از ایشان در سال ۱۳۴۴ تمتع نوزاد مکتور شد، در علوم و بدینچه چاره و مدال گفت و ریاضیات و فیزیک مدرسه پلی تکنیک بوزانس گردید. لیانات نامبرده بزبان فصیح براساس نوشته شده که بهرته از:

- ۱- فکر نمود در علوم در هفت جلد.
- ۲- پندار دبدار اشاع بپزیری لیاناتی حقیقت در بوجلد.
- ۳- زده است و آیین و کتار.
- ۴- یونانیان و بربرها، روی دیگر تاریخ.

برجی عظیم بر دروازه تهران و گوشه‌ای از تدارکات جشن شاهنشاهی



کشف مهم و تازه‌ای در باره کوروش و تمدن ایران

در داخل و خارج از حصار آن دارای باغها، گلستانهای دلگیز و استخرها و دریاچه‌های مصنوعی بوده است که نشاندهنده تکلیف پیشرفته و کاملاً ترقی‌معماری و شهرسازی ایرانیان دوره کوروش بزرگ است.

انکاسی وسیع

انتشار این مطلب در روزنامه نیشنالیونیز در محافل علمی و آکادمیک پاکستان انعکاسی وسیع یافت. نوحه شیخ پرویز امین دانشجو پاکستانی که در رشته علوم سیاسی کالج دولتی لاهور تحصیل میکند نسبت به برخی نکات از نظرات پروفیسور استرونک جلب شده و مطلبی در همین زمینه برای نیشنالیونیز فرستاده است، در این مطلب به دو نیشنالیونیز منتشر شده و خواهش در خواست کرده است که این بحث ادامه یابد و اطلاعات بیشتری برآورد گردان منتشر شود.

مهرابی نیوسود : پروفیسور استرونک در نقلی بنامتاریخ هفته ایران با توجه به نتایج حفیات جدید معتقد است که کوروش کبیر اولین شاهنشاه و موسس شاهنشاهی ایران زمین یک دیپلماتیک شکفت انگیز ابتدا با مادها متحد می‌شود و در مراحل بعدی است که این شاهنشاه سپاه استیلا را مغلوب میکند. استرونک همچنین معتقد شده است که خط میخی در زمان کوروش و بدستور خود او اختراع شده است و کوروش اولین کسی است که در پیاینه معروف خود «... من کوروش شاهنشاه ... یک هخامنش ...» از این خط استفاده کرده است. استرونک در نقلی خود گفته است: حفیات اخیر در شوش، کاتالکشی جالبی را در اطراف کاخ شاهنشاهان ایران کشف کرده است این شبکه کاتالکشی های آبروشان میدهد که کاخ هخامنشیان

لاهور - جشنهای شاهنشاهی ایران و تقارن سال ۱۹۷۱ یا دو هزار و بیستمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی به آغاز یک رشته بحث و گفتگو های علمی و تاریخی در مطبوعات پاکستان منجر شده است.

آقای خسرو مهرابی ضمن مقاله‌ای که در نیشنالیونیز چاپ لاهور منتشر شده بحث جالبی را درباره شاهنشاهی ایران و موسس آن کوروش کبیر مطرح کرده است.

دی نیوسود : پروفیسور استرونک رئیس انستیتوی انگلیسی تحقیقات ایران‌شناسی در اثر مطالعات و تحقیقات وسیع خودباین نتیجه رسیده است که مهاجرت ایرانیان آریایی به سه لافان ایران در هزاره دوم قبل از میلاد مسیح احتمالاً از گوشه شمال شرقی صورت گرفته است. نتایج آنکه عموم را عقیده برآست از راه‌عب و دشوار کوههای قفقاز.

در تهران، در میدان شهید پاک بنای یادبود جشنه احداث می‌شود. این برج که دهفایده نام داردوقتی از فرودگاه وارد شهر می‌شوند - در دروازه شهر - قرار دارد. این برج هر دوواضع مجموعه بسیار زیبایی است که دربرنج‌حال پاک‌بنای طلیب- پاک موزه و یک تاترسمی- پیری است.

موزه، مرکب از دوازده غرفه است که اشیاء هنری قرون مختلف شاهنشاهی ایران را در برمی‌خواهد گرفت.

قسمت سیمین - در برنج شهید تاریخ ایران را به بازدیدکنندگان نشان میدهد.

این بنای عظیم اثر یک مهندس جوان ایرانی است. ارتفاع این برج ۴۵ متر است. شکل کلی بنا دربرنج‌حال از معماری دوران ساسانیان (برج دریاپن چهارگوش استولی و اویاغان درلا یکبیدگنر نزدیک میگردند) و از معماری اسلامی الهام گرفته است.

در افراز بنا، دو طاق و باغ احداث می‌شود. بنای این برج را هدایای قابل ملاحظه‌ای صاحبان صنایع ایران میسر ساخته است.

یک کار ساختمانی عظیم دیگر در تهران استادیوم ۲۰۰ هزار نفری است که در تاریخ ۱۶ اکتبر افتتاح خواهد شد یعنی همزمان با افتتاح برج شهید.

تهران تو می‌شود :

از یکماه پیش اردوی آزادگاران و تکبیسین ها در شهر سرگرم کار هستند. وظایف ایشان متعدد است، پس از هر چیزی باید نواصی اسفالت لینی از خیابان های شهر را برطرف نمایند.

این خیابان های بسیار مادیان و آب و فاضل جدید تاسیس کنند.

فره تاساس ایران

در سراسر ایران ساختن کارگاهی زربنایی توانانده در دست انجام است. جمله میان تهران و قزوین ایجاب یک شبکه ارتباطی هم‌تراز است. شریاز - به احداث یک خانه آسیایی که از ایران شروع شده و از ترکیه و افغانستان عبور خواهد کرد.

خط آهن میان تهران - اروا

این خط در ماه اکتبر افتتاح خواهد شد. خط آهن تهران- اروا از ایران - ترکیه - یونان - ایتریش- یوگسلاوی - اتریش- آلمان فدرال و فرانسه عبور کرده و به بریتانیا کبیر یا هلند ختم خواهد شد.

بدین ترتیب یک رشته خط آهن لندن - ریمس را به تهران وصل می‌نمایند. هر یک از طریق این خط آهن روز بطور میانجامد و ۴۰۰ فرانسک هزینه است. از این پس در دروازه های ایران هر چه می‌شود خواهد بود و ایران با خوبی را بدون حد فاصل میان اروپا و آسیا مجدداً تکیه خواهد نمود.

کلیه سفرها را در نگاه عظیم هنرهای ممتی ایران که در پان می‌ستایم در تهران گشایش خواهد یافت شرکت می‌کنند.

الغیاتی که در مکتبش تمامانگشته خواهد شد شامل فرودگاه های مختلف خواهد بود - نظیر پارچه های مستطبات - سرامیک - میمنوسو - ظرفی کاری بر روی چرم و غیره.

در شیراز

در دوازدهم اکتبر یک کنگره

پیشرفت های جهشی در ایران

تأمین می‌شود خانواده ایرانی بیک قطعه فرش بی نمیکند؛ ایرانی فرش باغبانان یک ضرورت تهیه میکند و سپس در پناه آن احساس امنیت میکند. صنعت ظرف‌سازهای سالی در ایران نیز رونق فراوان می‌یابد.

سیستم آبیاری

ایران سرزمین خشکی است و هر جا سیزی چشم بخورد بی سربید. برای تلاشی انسان و آبیاری است. دولت ایران برای تمام مناطق این کشور سیستم آبیاری مناسب ساخته و پیشرفت های عظیمی آورده است و همین سیستم آبیاری عظیمی را حفیات و برپا کرده ایران نیز تحت رفته است. بدستور شاهنشاه ایران بسیار ساعد است. نتیجه تلاش تهران و پایتخت باستان ایران ازهاگون آنگارکات، در اطراف سارنگ کندها با ارتفاع چهار، بیاس میرسد و گیاهان می‌روند و درختان همیشه سبز همه گلشنه است.

با چشم کار میکند در سراسر این شبه همه جای می‌یابد و موج می‌زند. البته همه جای ایران با این متنی می‌بازماند نسبت مثلاً در شمال ایران می‌بازماند نسبت سیزی و زیربانی و خوشترین زیبایی بیرون سیزی را در ایران خود می بیند بدون آنکه نیاز به آبیاری نیست باشد. این سیستم (مسی می‌سب) از فرساکرتیزترین نظام دنیا است. و این سیستم در گروگی آبوهوای ایران را مانند گیاهان نشان میدهد. در واقع در ایران انواع مختلف آب و هوا مشاهده می‌شود.

سابقه شاهنشاهی و استقلال اینک با گناهایی محکم تر و استوار تر و با آگاهی علمی و پیشرفت بیشتری آینده کار می‌رساند.

افغانستان و پاکستان قرار دارد، نندن منحصر بفر خود راهمنجان منتقل نگذاشته است و همه جا این تمدن کاملاً ایرانی و پاکیزه دیده می‌شود و اینحال در آندمن ایران وجود مشابه زیادی با تمدن یونان دیده می‌شود که این نمودار پیوند های تاریخی و عینی است که ایرانیان باستان و مردم آئین دابستانه، زبان مردم ایران امروزه نیز قارمی است که با بررسی تزیینات همان زبان ایرانیان باستان است.

شاه و ملیت ضامن بقای ایران

ملیت و احساس ملیت در ایران وجودش ملی ایرانیان و ضامن بقای این سرزمین است. یک احساس جدید و رشیدانه از ملیت یک ارتش نیرومند و آزادند و یک پانگناه ترغیبخواه که همه بدود او حلقه میزند و ایضا اسباب و ضامن بقای ملیت ایران است.

نقش ویژه شاهنشاه

ایران است شاهنشاه ایران است که در مدت کوتاه سالهای اخیرچنان پیشرفت های درخشانی کرده است که یک مفاخر بیگانه راهنگام ورود باین سرزمین جدا می‌شود میکند. انتظار می‌رود اسامی گنگام‌برگرای ایران چنین شاه شاهنشاهی‌ها را در بیگانه از سراسر نقاط جهان به ایران فرست کنند.

امروزه اقتصادی ایران که یکی از بزرگترین منابع نفت جهان

منفرد و مستقل و منحصر بفر خود است این کشور نه عرب است و نه از بشقاره هند است و نه اروپائی و غیره. این کشور بوداست. ایرانی اصلان نه تنها دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی بلکه مفهوه و منمای ملیت و ناسیونالیسم خود را نیز بهرآه آن جشن میگیرد.

تمدن کهن

کراکرو Crocker Snow

عضو اصلی هیات تحریریه بوستن کلوب که اخیراً شخصاً به ایران سفر کرده است در شماره ۳۰ مه امسال نشریه خود می‌نویسد در بازدید از ایران، از سواحل مازندران و شهر های قدیمیسی و اسفهان و شیراز و نیز در سفر به ایران، همه جا آثار تمدن کهن ایران را مشاهده کردم. استرونک می‌گوید که بین کشور های مانند خودی - ترکیه - عراق -

ایران سرزمین خشکی است و هر جا سیزی چشم بخورد بی سربید. برای تلاشی انسان و آبیاری است. دولت ایران برای تمام مناطق این کشور سیستم آبیاری مناسب ساخته و پیشرفت های عظیمی آورده است و همین سیستم آبیاری عظیمی را حفیات و برپا کرده ایران نیز تحت رفته است. بدستور شاهنشاه ایران بسیار ساعد است. نتیجه تلاش تهران و پایتخت باستان ایران ازهاگون آنگارکات، در اطراف سارنگ کندها با ارتفاع چهار، بیاس میرسد و گیاهان می‌روند و درختان همیشه سبز همه گلشنه است.

با چشم کار میکند در سراسر این شبه همه جای می‌یابد و موج می‌زند. البته همه جای ایران با این متنی می‌بازماند نسبت مثلاً در شمال ایران می‌بازماند نسبت سیزی و زیربانی و خوشترین زیبایی بیرون سیزی را در ایران خود می بیند بدون آنکه نیاز به آبیاری نیست باشد. این سیستم (مسی می‌سب) از فرساکرتیزترین نظام دنیا است. و این سیستم در گروگی آبوهوای ایران را مانند گیاهان نشان میدهد. در واقع در ایران انواع مختلف آب و هوا مشاهده می‌شود.

سابقه شاهنشاهی و استقلال اینک با گناهایی محکم تر و استوار تر و با آگاهی علمی و پیشرفت بیشتری آینده کار می‌رساند.

ایران سرزمین خشکی است و هر جا سیزی چشم بخورد بی سربید. برای تلاشی انسان و آبیاری است. دولت ایران برای تمام مناطق این کشور سیستم آبیاری مناسب ساخته و پیشرفت های عظیمی آورده است و همین سیستم آبیاری عظیمی را حفیات و برپا کرده ایران نیز تحت رفته است. بدستور شاهنشاه ایران بسیار ساعد است. نتیجه تلاش تهران و پایتخت باستان ایران ازهاگون آنگارکات، در اطراف سارنگ کندها با ارتفاع چهار، بیاس میرسد و گیاهان می‌روند و درختان همیشه سبز همه گلشنه است.

با چشم کار میکند در سراسر این شبه همه جای می‌یابد و موج می‌زند. البته همه جای ایران با این متنی می‌بازماند نسبت مثلاً در شمال ایران می‌بازماند نسبت سیزی و زیربانی و خوشترین زیبایی بیرون سیزی را در ایران خود می بیند بدون آنکه نیاز به آبیاری نیست باشد. این سیستم (مسی می‌سب) از فرساکرتیزترین نظام دنیا است. و این سیستم در گروگی آبوهوای ایران را مانند گیاهان نشان میدهد. در واقع در ایران انواع مختلف آب و هوا مشاهده می‌شود.

سابقه شاهنشاهی و استقلال اینک با گناهایی محکم تر و استوار تر و با آگاهی علمی و پیشرفت بیشتری آینده کار می‌رساند.

ایران سرزمین خشکی است و هر جا سیزی چشم بخورد بی سربید. برای تلاشی انسان و آبیاری است. دولت ایران برای تمام مناطق این کشور سیستم آبیاری مناسب ساخته و پیشرفت های عظیمی آورده است و همین سیستم آبیاری عظیمی را حفیات و برپا کرده ایران نیز تحت رفته است. بدستور شاهنشاه ایران بسیار ساعد است. نتیجه تلاش تهران و پایتخت باستان ایران ازهاگون آنگارکات، در اطراف سارنگ کندها با ارتفاع چهار، بیاس میرسد و گیاهان می‌روند و درختان همیشه سبز همه گلشنه است.

با چشم کار میکند در سراسر این شبه همه جای می‌یابد و موج می‌زند. البته همه جای ایران با این متنی می‌بازماند نسبت مثلاً در شمال ایران می‌بازماند نسبت سیزی و زیربانی و خوشترین زیبایی بیرون سیزی را در ایران خود می بیند بدون آنکه نیاز به آبیاری نیست باشد. این سیستم (مسی می‌سب) از فرساکرتیزترین نظام دنیا است. و این سیستم در گروگی آبوهوای ایران را مانند گیاهان نشان میدهد. در واقع در ایران انواع مختلف آب و هوا مشاهده می‌شود.

سابقه شاهنشاهی و استقلال اینک با گناهایی محکم تر و استوار تر و با آگاهی علمی و پیشرفت بیشتری آینده کار می‌رساند.

شاه و مهن در ادبیات ایران

مقدمه‌ای بر این صفحه

نمایش آئین فرهنگ پروری و ادب‌دوستی شاهان فرهنگ بلبلان، نشانگر تمدن آن قوم است. فومی که خوشن را با آرایه‌های فرهنگ و دانش‌آراست به سلاح علم مجهز شد، به سرچشمه سیدهای دست یافته است. فومی که بخواید در چاده تمدن و رستگاری نام نهد و روزگار به‌زیستی و به‌روزی را، فرازآرد، ناگزیر از فراغت دانش و فنون مختلف است. زیرا دانش، دست‌آزاری است که بیاری آن می‌تواند ادب و امیران را در ایالت و در قلمرو رفاه پیش‌نماید و شاهنشاهان و امیران ایران‌زمین، با آرایش آیزی، از روزگاران قدیم به این موضوع توجه داشته‌اند. آنان میدانستند که مملکت به سوی ترقی و نمایی نام برنمی‌آورد و رفاه بر سراسر مرز و بوم ایران‌زمین سایه نمی‌گسترند مگر اینکه دل‌های مردم با فروغ دانش و فرهنگ روشن شود. و به همین انگیزه، همواره در راه پیشبرد فنی و بخصوص ادب فارسی، از راه‌های گوناگون، به تلاش می‌جاستند. و بدین سان است که می‌بینیم ادب و فرهنگ هم‌سال ما، یکی از دین‌دارترین و فنی‌ترین فرهنگها و ادبها در همی روزگار است.

شک نیست که شاعران سیاسگ و نویسندگان ادبشده ما، این نکته را بغوی دریافته و همواره باس خاطر شاه را، گمندر حقیقت، مشوق استعدادهای شگوفان و ادیب‌زدهان بود داشته‌اند و از همین رو، ما در ادبیات هم‌سال پارسی، بارها و بارها، به آثاری برمی‌خوریم که نشانگر شکرگزاری و سپاس‌مندی از حکمت فرهنگ پروری و ادب‌دوستی شاهان و امیران است. ما، از این پس می‌کوشیم تا هر هفته، در روزهای شنبه و چهارشنبه، از این نشریه را، با گفتمان‌گرایی و فرهنگ و تاریخ مدینه هم‌سال ما، به درج‌الاری‌زاین دست، اختصاص دهیم. آثاری در قلمرو نظم و نثر، آثاری که از دیدگاه‌های مختلف‌اندیشه توجه شاهان و امیران ما، درخورداریخ شگوفه‌ها، به پرورش فرهنگ و ترقی ادب است:

از: استاد پورداد

جوان پارسی ایران پرستد

یکی گیتی، یکی یزدان پرستد

یکی پیدا، یکی پنهان پرستد

یکی بودا و آن دیگر برهن

دگر زان موسی چوپان پرستد

یکی از روی دستور اوستا

فروغ خاور رخشان پرستد

یکی ذات مسیح ناصری را

بسان حضرت سبحان پرستد

گروهی پیرو و خوشرو تازی

حدیث سنت و قرآن پرستد

اگر پرسی ز کیش پور داود

جوان پارسی ایران پرستد

جهان را دل از شاه، خندان بود

از حکیم ابوالقاسم فردوسی

پرستیدن شهریار زمین

ندارد خردمند جز راه‌دین

به فرمان شاهان نباید درنگ

ناید که گردد دل‌شاه‌تنگ

هر آنکس که برپادشه دشمن است

روانش، پرستار اهریمن است

چنان‌دان که آرام گیتی است شاه

چونیکی کنی، او دهد پایگاه

به شهری که هست اندرو مهر شاه

ناید نیاز اندران ملک، راه

جهان‌را، دل، از شاه خندان بود

که بر چهر، او، فر یزدان بود.

چو از نعمتش بهره‌یابی، بکوش

که داری همیشه بفرمانش، گوش

بفرمان شاه، آنکه سستی کنی

همی از تن خویش، مستی کنی

همان درجهان از جرمند آن بود

که با او لبشاه، خندان بود

کسی کو ندارد هنر باخرد

سزد گر دیادشا، نسنبرد

به کردار دریا بود کارشاه

به فرمان او، تابد از چرخ، ماه

زندگانی بادش و پیروزی و شادی و کام

از: استاد عصری

بادنوروزی همی در بوستان بنگر شود
تا ز صفتش هر درختی، لذتی دیگر شود
باغ همچون گلبدی بزار، پردیبا شود
باد همچون طبلدی عطار بر عنبر شود
سوسن‌سیم‌سپید از باغ بردارد همی
باز همچون عارش خوبان، زمین اخضر شود
روی بند هر زمینی، حلهی جینی شود
گونوار هر درختی، رشدهی گوه‌شود
چون جویان لذتبان خورشید را بینی ز ناز
که برن آید زمیغ و که به میغ اندر شود
دفر نوروز بندد بوستان کردار شب
تا کواکب، نطفای ابراق آن دفر شود
افسر سیمین فروگرد ز سر گوه‌بلند
باز می‌نماند چشم و دیداری و مشکین‌س شود
دور هر دزدی بجزایب چو دلف شراب
شب، چو عسر دشمنان او، همی کفر شود
خسرو مشرق باین دولت آن شاه‌عجم
کافریش بر سر دولت، همی افسر شود
عومی را کو مخالف شد بدل کافر شود
زیر هر حرفی ز لفظش، عالمی مضرب شده‌ست
زیر هر بیستی ز غلغش، عالمی مضرب شود
یادبادست‌نمایش، بادهی سووی شده‌ست

چرخ با پای خلتیش، یابای منبر سود
گرچه باشد فوت پروردگان جان، خرد
چون به مدحش رنج‌بیند جان خردپور شود
آختر سمدست کوی طاعت میمون او
چون بترش راه یابد مردنیک اختر شود.
باد دیدستی که اندر خرمن گاه اوخته
همچنان باشد که او اندر صدف لشکر شود
از طلا بشنیدن و تدبیر او نشکفت، آفر
درختی خاله گردد، خاله‌گیتی زر شود
سپهر آزاده‌وارش، ز نافر آزادیست
میز آرزگان، بی‌سرتی، مضرب سود
تعمت هر کسی را همی نیکان شود اصل سخن
چون نعمت اودست اصل سخن دیگر شود
تعمت کوی، چو بنام او، سخن ضایع شود
تعمت چون برشود کاری، ضایع و به‌ر شود
باب گردد آفر و بر حلم او یابد کفر
باز آید بگرد بر خشم او، آذر شود
چون ز آکاش سخن کوی، شود جوهر، عرض
چون ز آکاش سخن درانی، عرض، جعفر شود
آنکه او را جوید، از چاکر بود، ممتز شود
و آنکه زو بگریزد، از بهتر بود، چاکر خود
مهر او، بر سنگ‌بنی، موم گردد ساختی
باز آید بگرد بر خشم او، آذر شود
مدح او، بر خاله‌خوانی، چشمه‌ی کوی شود
چون او، تیر و بیابان او فود، دریا شود
خشم او، بر تیر زمین افتد، زمین آفر شود
زندگانی بادش و پیروزی و شادی و کام
تا به هفت اقلیم گیتی، دادرا، داور شود

روزنامه‌چشم‌شاهنشاهی ایران

نشریه مخصوص وزارت اطلاعات

این روزنامه طی ۱۰۰ شماره همراه با جراید کشور و ابواب با تیراژ کلیه روزنامه‌ها چاپ و منتشر می‌شود.

تهیه و تنظیم زیر نظر: ایرج نبوی

۱۰۰ لوحه آزادی

بینه از صفحه اول
حیات را در خود نهفته است، برسنگی نوشته شده و برپیشانی
آرامگاه کوروش، شاه شاهان، قرار داشته است.
زمان و مکان، دو پدیده‌ی شگفت طبیعت، راز زندگی
را به انسان می‌آموزند. زمان، در سیر ابدی خود، سیاهی را
بدل به سپیدی میکند و لحظه‌ها را به هم پیوند میدهد و ساعتها،
روزها و هفته‌ها، و سرانجام ماهها و سالها را شکل می‌دهد.
پدیده‌ی زمان، از سوی دیگر نیز است و از سوی دیگر پایانی
ندارد. لحظه‌ها را می‌زاید. وزندگی در بطن لحظه‌ها جاریست.
وزندگی، رنگ‌های گوناگون می‌پذیرد. هر انسان، در محدوده‌ی
خاصی از زمان، از خاک، بیا می‌خیزد و سرانجام، به پدید آمدن
اصلی خود رجعت میکند. باردیگر خاک، او را در می‌یابد.
و مکان، پدیده‌ی شگفت دیگر طبیعت، به گونه‌ای دیگر،
رنگ جاوید گرفته است. تنها، شکل آن، دگرگون میشود
ولی همواره، میماند. استحاله می‌پذیرد و دراصل، همان است.
و انسان، به حکم طبیعت، در محدوده‌ی خاصی از زمان،
از خاک برمی‌خیزد و در مکان، مکانی خاص، می‌زید و چون
لحظه‌ی موعود فرارسید، و ناقوس‌ها به صدا درآید، کالبد
از جان تهی میکند و به گهواره‌ی خود، زمین، باز میگردد.
و زندگی، بازمی‌آید. این رمز دوام انسان است.
او زندگی را بدیگری می‌بپارد، و میکوشد تا در محدوده
هستی خود، تجربه‌های خود را بدیگران، و بدیگرانی که
پس از او خواهند آمد بیپارد.
پذیرش راز طبیعت، پذیرش مرگ، خود نوعی
آگاهی است. و انسان، ناگزیر از درک این آگاهی است.
و کوروش کبیر، شاه شاهان، شاه سرزمین‌های پهناور
پارس که بنیاد شاهنشاهی عظیم ایران را نهاده با سخنان
خود، یادآوری میکند که انسان، سرانجام، به خاک در می‌آید.
و به مرگ او، و در مییابد و این قانون، جاودانی است.
آگاهی به این نکته، باعث می‌آید، انسان، کز خوبی را رها
کند، به‌نور بیندیشد و باکی، و میکوشد تا با کردار خود،
تنبی سبوی روشنائی یزند. پاک‌زید و پاک‌تر جهان را بدرد
گوید.
سخنان کوروش بزرگ، شاه نام‌آور پارس، نشانگر
بزرگی او درک روشن او، از واقعیت و نیز حقیقت‌زدگی
است.
اندیشه‌ی او، گرامی‌باد.

حسب رای جشن از داخل و خارج



برنامه‌های فرهنگی و علمی و دانشگاهی

سمیای فرهنگی
● در شماره‌های گذشته پیرامون نمایشگاه‌های آثار هنری و باستانی ایران و نیز نمایشگاه‌های کتب خطی و چاپی و فارسی و اسناد ایرانی در کشورهای خارجی صحبت کردیم و امروز دوستداران تمدن و فرهنگ و هنر ایران باستان را در جریان فعالیت‌های دیگر ملت‌ها برای شرکت در نمایشگاه‌ها و جشن‌های شاهنشاهی قرار می‌دهیم تا مردم میهن‌ها در زمینه‌های وسیع بنوع و چگونگی تلاش صادقانه مراکز علمی و فرهنگی جهان بخاطر جشن شاهنشاهی ایران آشنا شوند بقرایندهای رسیده از کشورهای اتحاد شوروی، انگلستان، فرانسه، هند، ایتالیا، بلغارستان، رومانی، فرانسه، لهستان، مجارستان، یوگسلاوی مقارن با برگزاری جشن‌های شاهنشاهی اقدام به تشکیل کنکره‌های مختلف خواهند کرد که رئوس آن باین شرح اعلام شده است.

کنکره‌ها

● اتحاد جماهیر شوروی با برنامه‌ای وسیع و همه‌جانبه و شرکتی فعال در بهبود کیفیت جشن‌ها کنکره‌ای با شرکت یکصدارتن از دانشمندان برجسته داخلی و خارجی در مسکو و لنین‌گراد تشکیل خواهد داد که در نوع خود بی‌نظیر و واقعا درخور تقدیر است برنامه کنکره علمی شوروی بحث و گفتگو پیرامون تاریخ و فرهنگ ایران عنوان شده است.

● جلسه مخصوص آکادمی خطوط و ادبیات در پاریس تشکیل جلسه میدهد

● طبق برنامه تنظیمی جلسه رسمی و مجلل‌الانه آکادمی ملی ایتالیا، با حضور حضرت رئیس جمهوری و هیئت دولت و کوردیلماتیک بنام ایران گشایش خواهد یافت، این نخستین بار در تاریخ است که این کنکره بام یک کشور خارجی افتتاح می‌شود.

● جلسه رسمی آکادمی علوم بلغارستان در صوفیه اختصاص

● بررسی مسائل فرهنگ و تمدن ایران دارد.

● آکادمی علوم رومانی در بخارست نیز با نام ایران و

● پیرامون ایران تشکیل جلسه رسمی میدهد.

● سمپوزیوم علمی درباره فرهنگ ایران توسط آکادمی

علوم لهستان، در ورشو تشکیل می‌شود و همچنین جلسه

مخصوص آکادمی علوم لهستان درباره ایران در کراکوف

به‌پشت‌هایی در این باره خواهد پرداخت.

● یوگسلاوی نیز در زمره کشورهای است که برای

بزرگداشت جشن شاهنشاهی برنامه‌های ویژه‌ای در دست‌آرا

دارد که از آن جمله جلسه رسمی آکادمی علوم یوگسلاوی

در بلگراد است که با حضور حضرت رئیس جمهوری و

نمایندگان سیاسی و شخصتهای درجه اول کشور و هماهنگی

گروه شعر تاتر بلگراد تشکیل خواهد شد این مراسم مستقیما

از تلویزیون پخش خواهد شد و امانه ایران در شهرهای

«زاکربرگ» و «لیوبلیانا» جلسات مخصوصی در آکادمی‌های

علوم و هنر آن شهرها ترتیب خواهد یافت.

فرانسه

● بناسبت دویستمین سال انتشار نخستین ترجمه اوستا (در فرانسه و اروپا) کنکره اوستاشناسی در پاریس تشکیل خواهد شد تا در زمینه فرهنگ اوستا و فلسفه‌اش بحث و گفتگوهای علمی انجام شود که برسی آن جهان‌را با تمدن باستانی ایران از نقطه نظر اوستا بهتر و بیشتر روشن خواهد کرد

هند

● با ملقب علائق دیرین فرهنگی و علمی و سیاسی که از سالیان دراز و تنهائی طولانی بین ایران و هند وجود دارد در هندوستان کنکره بزرگ ایران‌شناسی توأم با برنامه‌های متعدد فرهنگی، هنری و فیلم نمایشگاه کتاب تشکیل می‌شود. کنکره مذکور با پیام ویژه حضرت رئیس جمهوری هند گشایش خواهد یافت.

● هند مرکز پارسیان ایرانی که با ما علائقی دیرین باستانی دارد در زمینه ایجاد نمایشگاه ویژه کتابهای فارسی نمایشگاهائی در دهلی، نو، آمبور، تپنا، حیدرآباد، کلکته، پونا، بمبئی برپا خواهد کرد که بطور یقین با استقبال مردم آن‌دیوار روبرو خواهد شد.

آکادمی‌ها

● آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی در مسکو و آکادمی های علوم آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، ازبکستان، تاجیکستان بناسبت جشن‌های شاهنشاهی جلسات و سفرهای ترتیب خواهد داد.

کمیته جشن‌های شاهنشاهی در پاکستان

کمیته محلی استان مرگزی شمال غربی:

- سپهدار سیدالاحمد فاتیح
- سرهنک سیدالقیوم خان
- آقای پروفیسور سیدالاحمد خان
- دکتر لب پی نسیم
- دکتر غلامرضا ریاضی
- آقای فضل‌الرحمان خان
- آقای س. ک. نندیا
- آقای محمد اسماعیل سکنی
- آقای سلیم‌خان بنگاشی
- آقای فریدخان
- آقای ا. ی. مظفر

کمیته محلی استان بلوچستان:

- ژنرال ریاض حسین
- آقای رفعت پاشا حسین
- آقای نصرمن‌الله
- آقای ارشاد احمد
- آقای س. م. نیازی
- آقای محمد حسن بلوچ
- آقای خلیل عدیدی
- سرهنک احسان
- آقای حیدعلی بک
- بیگم قاضی محمد عیسی
- سردار میربهادرخان متکلی
- دکتر سیداللطیف

کمیته حکومت ایالتی پاکستان شرقی:

- سپهدار سیدالاحمد فاتیح
- آقای ام‌اشفیق‌الاحمد
- آقای ا. م. ا. کبیر
- آقای صدیق اصفهانی
- نواب خواجہ حسن صگری
- آقای قاضی ابوالحسن
- پروفیسور ا. س. چودری
- دکتر ا. م. ا. کبیر
- دکتر امجد سید عدیدی
- آقای قاضی مسعودالرحمن
- آقای همایون فیضی رسول
- آقای واجد علی‌خان
- آقای شهیدالفتح
- آقای س. ج. م. عدینان
- دکتر سیده فاطمه صفا
- سیدذیل‌الرحمن / تی‌کی‌او
- آقای امیرالزمان خان

ریاست عالیہ:

حضرت ژنرال آقا محمد بیحیی خان، رئیس جمهور پاکستان

کمیته مرکزی:

- جناب آقای محمود ہارون
- آقای ممتاز حسن
- آقای ج. ن. ت. ضفری
- آقای دکتر اشتیاق حسین قریشی
- آقای پروفیسور حسینی سیدالرحمن
- آقای پروفیسور عبدالرحمن
- پروفیسور علامہ سعید صیدی
- پروفیسور ا. س. چودری
- دکتر ا. س. حسین
- آقای ا. ج. ن. قاضی
- آقای رویدارخان
- آقای سلطان محمدخان
- آقای ا. ا. شامی
- ژنرال ن. ا. م. رضا

آقای گبیر چودری
آقای دکتر سیدات برولی
آقای پروفیسور عبدالسلام
آقای دکتر عبدالحمید عرفانی
آقای شوکت عثمان
آقای ج. ہ. دینشاہ
آقای پیرحسام‌الدین راشدی

و نیز سابق مواد غنائی و کشاورزی
رئیس کمیسیون ملی پرداخت
دیپلرک انجمن زرتشتیان کراچی
رئیس اشتیاق حسین قریشی
رئیس دانشکده کراچی
رئیس دانشکده پشاور
رئیس دانشکده پنجاب
رئیس دانشکده داکا
رئیس دانشکده راجشاهی
دبیر وزارت دارائی
دبیر وزارت اطلاعات و امور ملی
دبیر وزارت امور خارجه
دبیر وزارت آموزش و پژوهش
مدیر عامل نفت ملی پاکستان
راولپنڈی
رئیس آکادمی بنگالی، داکا
رئیس اورینتال کالج، لاہور
مدیر روزنامہ پاکستان آیزور، داکا
رئیس کالج دولتی گجراتوالہ
پرنسپل جایزہ ادبیات بنگالی داکا
پانورگان
دانشمند ایرانشناس، مشرفیات
های ریسیہ دانشگاهی سند و کراچی

کمیته محلی استان سند:

- سپهدار رحمان گل
- آقای منظوراللی
- آقای مسعود ٹیپو
- آقای سلیم عباس چیلان
- آقای عثمان علی ایسانی
- آقای علی احمد بروہی
- رئیس انجمن روایت فرهنگی ایران و پاکستان
- سپهدار سیدتیق‌الرحمان
- پروفیسور علامہ سعید صیدی
- سردار کریم نوازخان
- آقای م. ی. چودری

کمیته محلی استان پنجاب:

- سپهدار سیدتیق‌الرحمان
- پروفیسور علامہ سعید صیدی
- سردار کریم نوازخان
- آقای م. ی. چودری
- آقای قاضی س. ا. م. رحمان
- دکتر سیدات برولی
- صوفی غلام مصطفی نسیم
- استادان سند
- دبیر کل دولت محلی
- فرماندار کراچی
- رئیس دفتر استادنار سند
- کفیل وزارت آموزش حکومت محلی
- رئیس ادارہ روابط معمران استان سند
- استادان پنجاب
- رئیس دانشکده پنجاب
- مدیر امور اداری و اطلاعات
- کفیل وزارت خدمات و تشکیلات
- و اطلاعات حکومت پنجاب
- رئیس سابق دیوان کشور
- رئیس اورینتال کالج لاہور
- ادیب و دانشمند



حضرت ژنرال بیحیی خان رئیس جمهور پاکستان



ژنرال تیکخان



ممتاز حسن



خواجہ عبدالحمید عرفانی



متیق‌الرحمان